

نشست «اینترنت» کارزار با حضور فعالان این حوزه و در غیبت مسئولان برگزار شد

محدودیت بدون شفافیت

بیش از هزار و ۶۰۰ ساعت از قطعی اینترنت سراسری می‌گذرد تا در بر همان پاشنه سابق بچرخد. فروش اینترنت طبقاتی‌ای موسوم به «اینترنت پرو» با وجود اعتراضات فراوان همچنان در جریان است، وضعیت کسب‌وکارهای دیجیتال هر روز نابسامان‌تر می‌شود و شهروندان ایرانی هم ناچارند برای ارتباطاتشان از پیام‌رسان‌های بی‌کیفیت داخلی استفاده کنند.

ارزیابی کارشناسان از یک پدیده غیرمنتظره جنگ، صعود قیمت‌ها را در بازار مسکن متوقف نکرد

غافلگیری مستأجران

روزهای پایانی زمستان سال گذشته، موشک‌ها یکی پس از دیگری آسمان را درزوریدند و بر خاک کشور فرود آمدند. دومین جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران، در فاصله کمتر از یک سال از سرگرفته شد و تا امروز که نیمه بهار سال جدید گذشته است، مردم همچنان گوش به‌زنگ اخبار نسنسته‌اند؛ اما سروش جنگ در هاله ابهام مانده است.

باین حال قیمت در فایلهای فروش و اجاره مسکن بدون توقف رشد می‌کند؛ روالی خلاف بازار مسکن کشورهای جنگ‌زده که سقوط بها را تجربه می‌کنند و پدیده خاص و غیرمنتظره را برای بازار مسکن ایران تداعی می‌کنند.

خارگ فقط نفست نیست

ایمان ابراهیمی

حافظنگرا

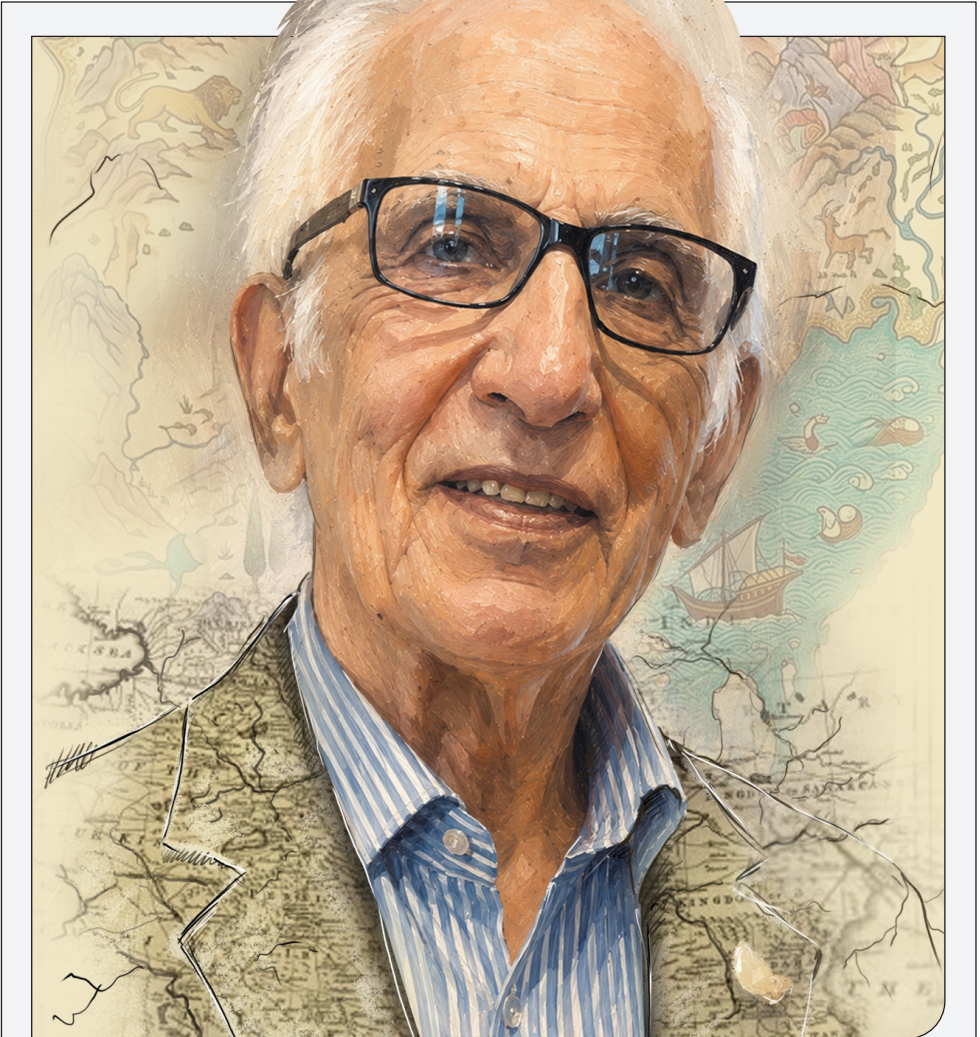
صخره‌های لرزان «ابوالقیس»

لغزش زمین در یکی از تنگه‌های سوادکوه بار دیگر تأثیر برداشت بی‌رویه از کوه و جاده‌سازی را نشان داد

روزنامه سامان

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۰۰ | یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payan.com



وداع با قصبه‌گویی مرزهای ناشناخته

برای عیسی امیدوار، پیش‌گام جهانگردی معاصر ایران

دیپلماسی شهری در دفاع از میراث جهانی

«پیام ما» کارکرد روابط خواهرخواندگی در حفاظت از میراث اصفهان را بررسی کرد

دانشگاه از دانشجو خبر ندارد

نگاه پژوهشگران و فعالان دانشجویی به مسئولیت اجتماعی دانشگاه در زمان جنگ

حیات بهمن‌پور در حیات «نظر»

گزارشی از برنامه‌ای برای گرامیداشت یاد «محمودرضا بهمن‌پور»

وقتی گردشگری درس احترام می‌شود

مه‌لقا ظهیرالاسلام | مدیرعامل مجموعه کتاب‌زنان فیروزه‌ای

مرغک «نظر» روی‌شانه شیرهای «تناولی»

محبوبه مهربانی | مدیر هنری استودیو تناولی

راه‌اندازی «موزه شهدای مدرسه میناب» در کاخ سعدآباد

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از راه‌اندازی «موزه شهدای مدرسه میناب» در کاخ سعدآباد خبر داد و تأکید کرد: «شکل‌گیری این موزه فراتر از الگوهای مرسوم نمایشگاهی باشد.» «سیدرضا صالحی امیری» شنبه ۱۹ اردیبهشت در نشست کارگروه تخصصی ایجاد موزه شهدای مدرسه میناب، بر ضرورت شکل‌گیری موزه‌ای فراتر از الگوهای مرسوم نمایشگاهی تأکید کرد و گفت: «برای ایجاد و طراحی این موزه در مجموعه فرهنگی تاریخی کاخ سعدآباد ستاریه‌های تخصصی متعددی پیش‌بینی شده و تمامی ابعاد آن باید بر پایه نگاه کارشناسی، علمی و تخصصی طراحی شود.» وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هدف اصلی این پروژه را تبدیل حداثه میناب به یک «گنتمان جهانی» دانست و اظهار کرد: «جهان باید بداند و هرگز فراموش نکند که آمریکا با آگاهی کامل از ماهیت غیرنظامی این مکان، مدرسه‌ای ملو از دانش‌آموز را هدف حملات متعدد قرار داد؛ اقدامی که در هیچ نقطه‌ای از جهان و در هیچ چارچوب انسانی، اخلاقی و حقوقی قابل توجیه نیست.» او تأکید کرد: «در طراحی محتوایی موزه، مفاهیمی همچون «شهید»، «کودک»، «مدرسه»، «مادر» و «دختران شهید» باید حضوری جدی، هنرمندانه و تأثیرگذار داشته باشند تا مخاطب با یک تجربه عمیق انسانی و تربیتی روی‌رو شود.» صالحی امیری همچنین با اشاره به جامعه هدف این موزه گفت: «مخاطب اصلی این مجموعه، دانش‌آموزان، خانواده‌های آنان و نظام آموزشی کشور هستند؛ ظرفیتی اجتماعی که بیش از نیمی از جمعیت ایران را در بر می‌گیرد و می‌تواند بستر شکل‌گیری یک جریان فرهنگی ماندگار را فراهم سازد.» ایسا

خارگ فقط نفست نیست

در همین فصل، پرستوهای دریایی و دیگر پرندگان دریایی وارد دوره زادآوری می‌شوند و لاک‌پشت‌های دریایی نیز درگیر تخم‌گذاری یا خروج نوزادان از تخم هستند. آلودگی نفتی در چنین زمانی می‌تواند مستقیماً به پرندگان، جوجه‌ها، تخم‌ها، لاک‌پشت‌ها، سواحل زادآوری و چرخه تولیدمثل آسیب بزند. حتی اگر تلفات بلافاصله دیده نشود، آلودگی می‌تواند موفقیت زادآوری را کاهش دهد، رفتار پرندگان را مختل کند، سواحل را آلوده کند و اثری بگذارد که بعداً دیگر به‌سادگی قابل اندازه‌گیری یا جبران نیست.

مسئله فقط خارگ و خارگوم نیست. در بخش‌های دیگر خلیج فارس هم در نزدیکی تأسیسات نفتی جزایر بسیار حساسی وجود دارند. «شیدور»، در نزدیکی «لاوان»، یک تالاب بین‌المللی و از مهم‌ترین زیستگاه‌های زادآوری پرندگان دریایی و لاک‌پشت‌ها در ایران است. اگر حادثه‌ای مشابه در نزدیکی لاوان رخ دهد، پیامد آن فقط یک آلودگی موضعی نخواهد بود. چنین حادثه‌ای می‌تواند یکی از ارزشمندترین پناهگاه‌های زادآوری در خلیج فارس را تهدید کند.

باید صریح گفت: سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران امروز نه توان رصد دقیق و مستقل چنین آلودگی‌هایی را دارد، نه توان کارشناسی کافی برای برآورد واقعی خسارت‌های آن، و نه حتی در صورت وجود بودجه، جریمه یا غرامت، توان جبران خسارت وارده شده به چنین زیست‌بوم‌هایی را. این نقد از سر بدبینی نیست؛ بلکه از سر شناخت واقعیت میدانی حفاظت در ایران است. وقتی یک لکه نفتی به زیستگاه زادآوری پرندگان و لاک‌پشت‌ها می‌رسد، خسارت فقط با پول، گزارش یا چند عملیات پاک‌سازی قابل جبران نیست. تخم از دست‌رفته، جوجه تلف‌شده، ساحل آلوده‌شده و چرخه مختل شده تولیدمثل را نمی‌توان با جامعه‌وهرانسائی است.» او معتقد بود اگر جهانگرد، پیش از دوربین یا نقشه، احترام را در کیف خود حمل نکند، تنها یک تماشاگر بی‌روح است، نه یک مسافر واقعی.

برای او، هر جامعه‌ای که وارد خاکش می‌شود، گنجینه‌ای است که باید با تواضع و درک متقابل با آن برخورد کرد.

بودجه سال بعد بازرگرداند. بنابراین در چنین شرایطی، اولویت مطلق باید توقف و کنترل فوری آلودگی باشد. نه تعلل، نه اما و اگر، نه انتظار برای روشن شدن کامل منشا حادثه، و نه سپردن موضوع به فرایندهای کند اداری. هیچ چیز نباید بهانه‌ای برای تأخیر در واکنش اضطراری باشد.

وظیفه نهادهای دولتی و غیردولتی مرتبط با محیط‌زیست نیز روشن است. وقتی یک منطقه تحت حفاظت و زیستگاه‌های حساس خلیج فارس در معرض تهدید قرار می‌گیرد، سکوت قابل قبول نیست. سازمان حفاظت محیط‌زیست، تشکل‌های محیط زیستی، پژوهشگران، فعالان حفاظت از پرندگان و لاک‌پشت‌ها و همه نهادهایی که به نوعی خود را مسئول محیط‌زیست ایران می‌دانند، باید بدون لکت و بدون ملاحظه‌کاری غیرضروری، خواستار محکوم کردن آسیب به محیط‌زیست در داخل و سازمان‌های بین‌المللی شوند.

من سیاست‌مدار نیستم. حفاظتگر طبیعتم، اما یک چیز را به‌روشنی می‌بینم: در بحران‌ها، طبیعت معمولاً آخرین چیزی است که درباره آن حرف زده می‌شود و یکی از اولین چیزهایی است که آسیب می‌بیند. پرندگان مهاجر، لاک‌پشت‌های دریایی و جزایر زادآور خلیج فارس قربانیان خاموش تصمیم‌هایی هستند که در آن هیچ نقشی نداشته‌اند. این پرندگان فقط متعلق به یک جزیره، یک استان یا یک کشور نیستند. آن‌ها بخشی از مسیرهای مهاجرتی و میراث طبیعی مشترکی هستند که از مرزها عبور می‌کنند. خلیج فارس به اندازه کافی در طول چند دهه اخیر خسارت دیده است. این پهنه زیبای وسیع و غنی از تنوع زیستی، توان تاب‌آوری بیشتری از هم در مقابل چنین فجایعی را ندارد.

دیدگاه

وقتی گردشگری، درس احترام می‌شود

گردشگری با دوچرخه را در مرزهای ایشان و در کنار آثار سفر این دو برادر به نمایش بگذاریم انگار دنیا را به ما داده بودند. عیسی امیدوار با آن نگاه نافذ و آرامش برخاسته از دل سفر، با دقت به حرف‌هایم گوش می‌کردند و گاهی هم می‌گفتند بلندتر صحبت کن و مشتاق شنیدن در مورد تعداد گردشگران با دوچرخه و خاطرات سفرهای گروهی بودند و برایشان تعجب‌آور بود که این‌همه دوچرخه‌سوار با هم در جاده سفر کنند.

ایشان به من آموخت که گردشگری، صرفاً جابه‌جایی از جغرافیایی به جغرافیای دیگر یا تماشای بناهای تاریخی نیست. «تعامل» و «آموختن» او با تجربه زیسته خود، این درس بزرگ را در گوش من نجو کرد که: «احترام، شرط اول و بنیادین تعامل با هر

مه‌لقا ظهیرالاسلام

مدیرعامل مجموعه کتاب‌زنان فیروزه‌ای



همه ما با یادآوری نام برخی بزرگان، ناخودآگاه به عقب نگاه می‌کنیم، نه برای حسرت، بلکه برای یافتن مسیر برای من، نام «عیسی امیدوار» تنها یادآور اولین جهانگرد ایرانی نیست، او برای من نماد آن نقطه عطفی است که در آن، معنای واقعی «تعامل» و «آموختن» خاطره‌نشدن در کنار او، چیزی فراتر از یک گفتگوی ساده بود. وقتی به ما اجازه دادند که نمایشگاه عکس

وam نیروگاه خورشیدی خانگی به‌زودی عملیاتی می‌شود

معاون وزیر نیرو: معاون وزیر نیرو و رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک‌انرژی گفت: امیدواریم به‌زودی این فرایند آغاز شود.

«محسن طرزلطب» معاون وزیر نیرو و رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، با اشاره به اجرای حدود ۴۰۰ پروژه فعال، از برنامه‌ریزی برای کاهش ناترازی برق در تابستان پیش رو خبر داد و هشدار داد که صنایع در اجرای تکالیف قانونی خود کوتاهی کرده‌اند.

او با اعلام آخرین آمار از وضعیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور گفت: «در حال حاضر ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور به بیش از ۴۵۰۰ مگاوات افزایش یافته است. بخشی از این پروژه‌ها برای افزایش ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر و کمک به کاهش ناترازی برق در تابستان برنامه‌ریزی شده که حدود ۴۰۰ پروژه فعال با ظرفیت ۲۵۰۰ مگاوات را شامل می‌شود.» معاون وزیر نیرو تصریح کرد: «با بهره‌برداری از این نیروگاه‌ها، ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی کشور تا اوج بار به ۷ هزار مگاوات افزایش خواهد یافت.» رئیس ساتبا درباره تسهیلات بخش خانگی برای احداث نیروگاه‌های پشت‌بامی توضیح داد: «تسهیلات برای استفاده مشترکان خانگی جهت احداث نیروگاه‌های پشت‌بامی از طریق سیستم بانکی پرداخت می‌شود.» او در ادامه گفت: «در سال جاری برای پرداخت این مبلغ توسط بانک‌ها در حال مذاکره هستیم و امیدواریم به‌زودی این فرایند طبق روال سیستم بانکی که همه‌ساله به‌تدریج آغاز می‌شود، اجرایی شود. هزینه‌ها نیز همانند بسیاری از کالاها و فعالیت‌ها مقداری افزایش یافته که شامل هزینه‌های اجرایی و تجهیزات است.» معاون وزیر نیرو با اشاره به اینکه نصب و اجرای نیروگاه‌های خورشیدی خانگی توسط شرکت‌ها و پیمانکاران خصوصی انجام می‌شود تصریح کرد: «مقتضای می‌تواند از طریق سامانه مه‌راس به نشانی mehrsun.satba.gov.ir به فهرست پیمانکاران و شرکت‌های مورد تأیید ساتبا دسترسی پیدا کنند و حتی با ثبت‌نام در پلتفرم‌های مورد تأیید، قیمت‌ها را نیز خود مقایسه کنند.» طرزلطب در پاسخ به پرسشی درباره نقش انرژی خورشیدی در تأمین برق صنایع مادر، بر انتقاد از عملکرد صنایع در این حوزه گفت: «صنایع باید خود برای تأمین برق از محل انرژی‌های تجدیدپذیر اقدام کنند و در این خصوص قانون نیز با صراحت کامل راه مشخص کرده است.»

او تأکید کرد: «بر اساس ماده ۱۶ قانون جهش تولید دانش‌بنیان که در سال ۱۴۰۱ برای اجرا به دولت ابلاغ شده، صنایع با قدرت مصرف بیش از یک مگاوات موظف‌اند معادل یک درصد از برق مورد نیاز سالانه خود را از طریق احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر تأمین کنند.»

معاون وزیر نیرو تصریح این میزان در پایان سال پنجم باید حداقل به ۵ درصد برسد در غیر این صورت وزارت نیرو موظف است درصد مذکور از برق مصرفی این صنایع را با تعرفه برق تجدیدپذیر محاسبه و از آن‌ها اخذ کند.

رئیس ساتبا ادامه داد: «صنایعی که ملزم به خرید برق در بورس انرژی هستند، می‌توانند درصد فزونی از برق تجدیدپذیر عرضه‌شده در بورس انرژی خریداری کنند.» او با تأکید بر ضرورت اجرای این تکالیف افزود: «واقعیت آن است که اگر صنایع در طول سال‌های گذشته به تکلیف قانونی خود عمل کرده بودند، اکنون باید شاهد شرایط بهتری می‌بودیم.» طرزلطب در ادامه از پروژه‌های در دست اجرا خبر داد: «در ساتبا به‌منظور هدایت و پیگیری بهتر این پروژه‌ها، دفتر ویژه‌ای با عنوان طرح‌های ویژه توسعه نیروگاهی این موارد را پیگیری می‌کند. در حال حاضر نیروگاه خورشیدی ۱۰۰ مگاواتی متعلق به پالایشگاه نفت تهران در یزد، نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی فولاد چادربلو در خضرآباد یزد، نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی در یزد، نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی در نیشابور و نیروگاه ۱۳ مگاواتی شرکت آلوپنیوم ایرلند در حال اجرا هستند. طبق برنامه‌ریزی صورت‌گرفته، این پروژه‌ها باید ظرف ۶ تا حداکثر ۹ ماه آینده تکمیل و به مدار شبکه سراسری وارد شوند.» مهر

نشست «اینترنت» کارزار

با حضور فعالان این حوزه و در غیبت مسئولان برگزار شد

محدودیتِ بدونِ شفافیت



اینجانه اول

اپیام ما! بیش از هزار و ۶۰۰ ساعت از قطعی اینترنت سراسری می‌گذرد تا در بر همان باشنه سابق بچرخد. فروش اینترنت طبقاتی ای موسوم به «اینترنت پرو» با وجود اعتراضات فراوان همچنان در جریان است، وضعیت کسب‌وکارهای دیجیتال هر روز ناپس‌ان‌تر می‌شود و شهروندی‌ها می‌پرانند هم ناچارند برای ارتباطاتشان از پیام‌رسان‌های بی‌کیفیت داخلی استفاده کنند. اما مهم‌تر از همه اینها این نکته است که هیچ مسئولی پاسخگو نیست و فروش اینترنت پرو هم نشان می‌دهد که

امنیت دیگر نمی‌تواند توجهی برای قطعی اینترنت باشد.

در اعتراض به این قطعی و طبقاتی شدن اینترنت، پلتفرم «کارزار» تاکنون بیش از نیم‌میلیون جمع‌آوری کرده است. کارزار از هفته‌های قبل از مسئولان دعوت کرده بود تا در نشست ویژه اینترنت شرکت کنند. اما در دقیقه نود برگزاری این نشست، حضور خود را کنسل کردند. در نهایت این برنامه روز سه‌شنبه (۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵) در رکافه رویداد« کارزار با حضور فعالان و کنشگران حوزه اینترنت و در غیاب مسئولان مربوط برگزار شد.

در بخشی از این نشست «وحدی‌فرید»، کارشناس اینترنت، به این موضوع اشاره کرد که تجربه قطعی اینترنت، در دولت‌های حامی اینترنت اتفاق افتاده است: «به این معنا که زیرساخت قطع اینترنت محصول دو دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی بود. تفاوت قطعی امروز با قبل مانند سال ۱۴۰۱ این است الان اینترنت به طور کامل قطع شده و به‌صورت مودی در بعضی نقاط وایت‌لیست ایجاد شده است؛ مانند گوگل. جلا هم که اینترنت طبقاتی را با نام پرو بین جامعه توزیع کرده‌اند. اما در ۱۴ برعکس آن را داشتیم؛ به این معنا که یک‌سری خدمات محدود می‌شود.

حتی در سال ۸۸ هم چنین اتفاقی افتاد. در واقع شبکه ملی اطلاعات که توسط دولت اول روحانی شروع شد و در دولت دوم مورد بهره‌برداری قرار گرفت، زیرساختی است که به حاکمیت امکان می‌دهد که دسترسی مردم را به اینترنت به طور کامل مسدود کند. درحالی‌که اجازه می‌دهد پلتفرم‌های حیاتی مانند تأمین اجتماعی، سازمان مالیاتی و… در زمان قطعی اینترنت جاری باشند.»

به گفته او، درابتدا هدف شبکه ملی اطلاعات این بوده‌که سرعت و پهنای آن افزایش دهد؛ «اما همین پروژه به‌ظاهر خوب هر زمان که بخواهد سوئیچ‌های خارج از کشور را می‌بندد و در سرویس‌های داخل کشور محصور می‌شویم. درحالی‌که بسیاری از این سرویس‌ها وابسته به سرویس‌های خارجی است.» او معتقد است این پروژه یک‌قدم به سمت ناامنی دیجیتال است: «شاید اینکه صدای اکثریت را خاموش کرده باشند برد امنیتی داشته باشد؛ اما این به معنی امن شدن زیرساخت‌ها نیست. اکثر زیرساخت‌های ما آپدیت دریافت نمی‌کنند که خود این ناامنی ایجاد خواهد کرد.»

فرید درباره اینترنت پرو گفت: «حاکمیت تلاش کرده به کسب‌وکارها اینترنت دهد تا بتوانند به کارشان ادامه دهند؛ اما در نظر نمی‌گیرد که این موضوع دو طرف دارد و یک طرف آن مردم هستند. کسب‌وکار بدون مردم، کسب‌وکار نیست و کسب‌وکار که اینترنت را دارد از نظر مردم، رانته محسوب می‌شود.»

از دیدگاه این کارشناس اینترنت، قطع اینترنت به جامعه سیگنال ناامنی می‌دهد که در نتیجه آن مشکلات دیگری

به وجود خواهد آمد.

❶ بدون اینترنت، اقتصاد دیجیتال واقعی نداریم

«علیرضا یعقوبی»، رئیس انجمن فین‌تک، سخنران دیگر این برنامه بود و صحبت‌های خود را این‌طور آغاز کرد: «ما بدون کاربر عملاً فایده‌ای نداریم. به‌عنوان فناوری‌های نوین مالی که پایه توسعه اقتصاد دیجیتال کشور هستند، اگر کاربرها به‌صورت نامحدود به اینترنت دسترسی نداشته باشند اقتصاد دیجیتال واقعی نداریم. در واقع یک اقتصاد دیجیتال برنامه‌ریزی‌شده که سیستم به آن نیاز دارد فراهم می‌شود.»

او در ادامه به بیانیه «انجمن فین‌تک» درباره قطعی اینترنت و آسیب‌های آن اشاره کرد: «البته دغدغه‌هایی درباره امنیت کشور در نظر متوجهیم. می‌دانیم که در فضای جنگی باید امنیت کشور در نظر گرفته شود. منتها فکر می‌کنم برای وضعیت کنونی اینترنت سال‌ها برنامه‌ریزی‌شده است و نمی‌توان گفت مربوط به دولت خاصی است. نتیجه آن هم این است که نخبگان ما مهاجرت می‌کنند، اقتصاد دیجیتال ما در بهترین حالت ۴ درصد GDP است و…»

به گفته یعقوبی، درک درستی از مفهوم امنیت در سیاست‌گذاری کشور حاکم نیست: «ما فایده‌ای متعددی در کشور حضور داریم و بسیار قدرتمندند. چطور این‌همه فروشنده وی‌پی‌ان در حال کار کردن هستند؟ به نظر من امنیت بهانه است. منافع یک‌سری قدرت‌های پنهان در این است که این اتفاق بیفتد.»

❷ شبکه ملی اطلاعات، عامل فیلترینگ؟

«محمد مهدی حبیبی»، مدیرعامل NGO فضای مجازی پاک (فمپ) درباره وضعیت قطعی اینترنت و شبکه ملی اطلاعات گفت: «همه احتیاجات مردم امروز به فضای مجازی وابسته است. در واقع فضای مجازی ساحت دوم زندگی ماست. در این فضا چه کسی قاعده‌گذار است؟ صاحب سکو، این حکمرانی فضای مجازی ما است. برخی می‌گویند شبکه ملی اطلاعات منجر به فیلترینگ می‌شود. تصور کنیم اگر مردم خرید نکنند حاکمیت مجبور به برداشتن فیلترینگ می‌شوند؛ ولی چرا این اتفاق نمی‌افتد؟ شبکه ملی اطلاعات به‌عنوان عامل فیلترینگ معرفی می‌شود؛ چون به نیاز مردم جواب می‌دهد. مردم می‌فهمند

وقتی به نیاز من پاسخ داده می‌شود دیگر نیاز به مهاجرت به سکوها دیگر نیست. مهم‌ترین بخش اقتصاد دیجیتال، سکوها و خدمات هستند. مگر می‌شود بگوییم شبکه ملی اطلاعات نداشته باشیم؛ چون باعث فیلترینگ می‌شود؟» او در ادامه مثالی در این باره بیان کرد: «کسی مثل مکرون در سال ۲۰۱۸ می‌گوید ما سه اینترنت داریم: اینترنت آمریکا، چین و اینترنت خودمان به‌عنوان اینترنت اتحادیه اروپا. نخست‌وزیر بلژیک هم چنین حرفی زد. جامعه‌ای که در سال‌های آینده سکو و شبکه ملی نداشته باشد حذف شده است. اینترنت چیزی جز تجمیع شبکه ملی کشورها نیست. هرچه این شبکه قوی‌تر باشد اقتصاد ما قوی‌تر، فرهنگ ما بهتر و امنیت ما هم بیشتر است.»

در ادامه «میلاد اسلامی‌زاده»، فعال اکوسیستم استارت‌آپی، درباره صحبت‌های حبیبی گفت: «کوبی تصویر ذهنی شما این است که باید کسب‌وکارهای دیجیتال از گسترش شبکه ملی فضای مجازی خوشحال باشند. اما گاهی به سایت‌های کارپایی و صحبت با مدیران عامل شرکت‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌کس از این وضعیت و اینترنت طبقاتی راضی نیست.»

به اعتقاد او، روایت ترجیحی تعریف کردن، کمکی به تبیین یک گفتمان نمی‌کند: «آنچه که مشخص است ما اینترنت نداریم. هیچ کشوری نبامده که چیزی برای خودش به اسم اینترنت پدید بیاورد. اینترنت همچون آب و برق جزو حقوق پایه مردم محسوب می‌شود و با چه قاعده‌ای به مدت چند ماه و بدون توضیح قطع شده است؟ لذا دست آقای مکرون را گرفتن الان کمکی به ما نمی‌کند.»

❸ اینترنت زیرساخت است

«سعید سوزنگر»، کارشناس امنیت شبکه، در این نشست سخنران دیگری بود که اینترنت را یک حق شهروندی غیرقابل‌مذکره دانست: «سیستم طبقاتی پرو یا سفید از پایه و اساس غلط است. برخی از افراد اشاره به تورنت کردند. می‌گویند شبکه ملی اطلاعات، نیاز مردم را رفع کرده است. رفع کرده چون مردم مجبورند از آب کشی که مقابلشان گذاشته شده استفاده کنند تا از تشنگی نمریزند؛ کسی حق تصمیم‌گیری برای اینترنت را ندارد. اینترنت زیرساخت است، نه سرویسی بر روی شبکه ملی اطلاعات که هر وقت بخواهید دیمه خاموش‌شدنش را بزنید.» «محمدجواد نعتکار»، حقوق‌دان و مدیرکل حقوقی سابق وزارت

ارتباطات و فناوری اطلاعات، با بیان این که قطع اینترنت امروز شاید مشکل میلیون‌ها نفر در کشور باشد، توضیح داد: «اولین‌بار که اینترنت قطع شدن در روزارت ارتباطات مسئولیت داشتیم وان زمان استثنا به یک‌اصل تبدیل شد.»

این حقوق‌دان با تأکید بر ابوی‌های نوین مالی که پایه شکل‌گیری در ساختار است، گفت: «قطعاً شبکه ملی اطلاعات واجب است. شما شبکه‌ای می‌خواهید که بهداشت و آموزش کشور از کار نیفتد؛ اما این به معنی این نیست که کل دسترسی مختل شود.»

❹ با قطعی اینترنت امنیت به چه قیمتی به دست می‌آید؟

«علی محمدپور»، دبیر انجمن ناشران دیجیتال و دبیر انجمن نشر محتوا، یکی دیگر از حاضران این نشست بود که خود را هم موافق فیلترینگ و هم مخالف آن دانست: «من به حکمران حق می‌دهم فیلتر کند؛ اما زمانی حق می‌دهم که بتواند امنیت خودش و مردم را تأمین کند. امروز ما معادل اینستاگرام را نداریم. زیرساخت‌های داخلی ما برای این حجم کاربران کافی نیست. ما بی‌اینه دادیم و گفتیم از تصمیم حاکمیت دفاع می‌کنیم. اگر دولت می‌گوید امنیت نیست و به این خاطر اینترنت را بسته، باید برود امنیت را تأمین کند.»

او دلیل خود را برای اهمیت وجود حق دسترسی به اینترنت این‌طور توضیح داد: «اینترنت مثل یک بدن زنده است و هر لحظه جایی از این بدن یک نوآوری اتفاق می‌افتد. هر روز سرویس‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است و وایت‌لیست کاملاً غلط است.»

«محمد کشوری»، کارشناس اینترنت، هم در این نشست تعداد فالوورهای اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی و جهانی را مقایسه کرد و گفت: «بی‌بی‌سی فارسی ۲۰ میلیون و بی‌بی‌سی جهانی ۴ میلیون فالوور دارد. رویکرد غلط صداوسیما باعث شده که مسئله به بیرون و ماهواره برود. باید دید با قطعی اینترنت، امنیت به چه قیمتی به دست می‌آید؟ بهر اگر انویان را ببندیم تصادف نمی‌شود.»

از دیدگاه او، درحالی‌که شبکه ملی باید باعث افتخار باشد تبدیل به یک موضوع غیرقابل‌دفاع شده‌است.

❺ اینترنت پرو، صدادادن به گروه‌های محدود است

«سبحان پیحانی»، استاد ارتباطات داشگاه علامه طباطبائی، در بخش دیگری از این نشست گفت: «سیستم حکمرانی که همواره نگران برملاشدن وضعیت مشروعیت خود است. ما شفافیت می‌خواهیم. ما حق اینترنت را ذیل یک حق کنترل داده باید بفهمیم. حکمرانی‌ای که همواره نگران برملاشدن وضعیت مشروعیت خود است اینترنت را هم قطع می‌کند.»

به اعتقاد پیحانی، این وضعیت استثنایی قرار است پایدار شود: «اینترنت پرو، صدادادن به گروه‌های محدود و مردم نزدیک به دولت است که حددس می‌زنند مسئله امنیتی کمتری برپاشان درست می‌کند. این ماجرا همدست‌هایی هم دارد؛ از کسب‌وکارها گرفته تا افرادی که امدای آزادی پرو دارند.»

«سمیه توخیدلو»، عضو انجمن جامعه‌شناسی، هم در این نشست به شکاف حاکمیت – دولت شکل‌گرفته بر اثر قطعی و طبقاتی کردن اینترنت اشاره کرد: «تصور می‌کنند که اینترنت عامل اعتراض است؛ اما این قطع‌کردن بدتر منجر به خشم می‌شود. ما این خشم را در کلاس‌های ما بینیم. این نسل ارتباطات بنیاد است. وقتی دی‌ماه مردم اینترنت نداشتند خشم جمعی کمتر از امروز بود که برخی اینترنت سفید و برخی پرو دارند.»

به گفته توخیدلو، این بار خشم بیشتری تولید شده است: «چون احساس تبعیض ایجاد شد که بزرگ‌ترین محرک خشم و اعتراض است.» «فیاض زاهد»، رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران یکی دیگر از حاضران این نشست بود و گفت: «فهم حاکمیت از مفهوم اینترنت، در کنار پدیده بزرگ‌تر رسانه، بیشترین فهم امنیتی است. حکومت کاری کرده که رسانه غیرحرفه‌ای مانند ایران‌اینترنشنال مخاطب داشته باشد.»

به گفته او، بزرگ‌ترین آسیبی که در چند ۱۲ روزه و چه جنگ اخیر به ما زذ نایودی جامعه مدنی ایران است: «تاثر آن آثار بسیار بلندمدتی است. موجی از ناامیدی گسترده شکل خواهد گرفت که افسردگی، خودکشی، مهاجرت و… را به دنبال خواهد داشت. این بزرگ‌ترین لطمه است.»

در بخش دیگری از این گفت‌وگوها به حقوق از دست‌رفته کودکان به عنوان پیشگویی هم اشاره شد؛ اینکه چطور به کمک اینترنت می‌شد بخشی از آموزش طبقاتی شده را حذف و دسترسی بیشتری برای همه ایجاد کرد؛ اما قطعی اینترنت تمام این تعادلات را به هم ریخت.

نیاز به اتصال مستمر به اینترنت وجود دارد تا گواهی‌ها بتوانند ارتباط امن را برقرار کنند.»

چیت‌ساز تأکید کرد: «در حقیقت اگر بخواهیم امنیت در حوزه اقتصاد دیجیتال افزایش یابد، لازم است پلتفرم‌ها به اینترنت به شکل مطلوب متصل باشند. قطع اینترنت برای کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال شاید برای چند ساعت قابل‌تحمل باشد، اما قطع گسترده و سراسری آن شوک اقتصادی ایجاد می‌کند. اینترنت مانند آب است؛ زمانی که مسیریک آب جاری بسته شود، در نهایت مسیر خود را پیدا می‌کند. امروز نیز مشاهده می‌کنیم که حجم ترافیک اینترنت بین‌الملل به‌گونه‌ای افزایش‌یافته که نشان می‌دهد مسیرهای طبیعی ارتباطی خود را پیدا کرده‌اند و این حجم به حدود ۷.۵ تپایات رسیده است. این مسئله یک پیام روشن برای سیاست‌گذاران دارد و ما به‌عنوان مجموعه‌ای که خود را مسئول حق دسترسی مردم به اینترنت می‌دانیم معتقدیم که این نیاز باید برطرف شود.»

او همچنین در پاسخ به سؤالی درباره اینترنت پرو و برخی دسترسی‌های خاص اینترنتی و بررسی تخلفات در این زمینه گفت: «ما در حوزه اقتصاد دیجیتال با هرگونه تبعیض میان مردم مخالف هستیم. ایجاد احساس تبعیض می‌تواند بنیان‌های اجتماعی جامعه را تضعیف کند. در دوران جنگ همه مردم به‌طور برابر در دفاع از کشور مشارکت می‌کنند و برای مقابله با دشمن تلاش می‌کنند؛ بنابراین در دوران پس از آن نیز نباید شرایطی ایجاد شود که عدای از دیگران برابرتر باشند. ما با هر نوع اینترنتی که باعث ایجاد فاصله و تفاوت در دسترسی میان مردم شود مخالف هستیم. آنچه در شرایط بحران مطرح بود این بود که کسب‌وکارها به دلایلی مانند به‌روزرسانی پیج‌های امنیتی، ارتباط یا سروهای بین‌المللی و سایر نیازهای فنی، باید بتوانند اتصال خود را حفظ کنند. با این‌حال ایجاد هرگونه تفاوت در دسترسی مردم می‌تواند مستقیم به یک چالش امنیتی برای کشور تبدیل شود، زیرا ممکن است باعث ایجاد ناراحتی اجتماعی شود.»

| **خبر** |

انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی:

برای اکوسیستم استارت‌آپی به دنبال سنگ قبریم

اپیام ما انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی با انتشار بیانیه‌ای درباره بیش از دو ماه قطعی شبکه جهانی اینترنت، این اقدام را محکوم کرد.

این نهاد صنفی با اشاره به نامه سرگشاده پیشین که خطاب به رئیس‌جمهوری بود، نوشته اکوسیستم استارت‌آپی» خبر می‌داد، نوشته است: «امروز وقت آن رسیده است که بگوییم: خدایش بیمارزد، در جستجوی سنگ قبر اکوسیستم استارت‌آپی کشور هستیم.»

متن بیانیه انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی به این شرح است:

امروز یادگشت بیش از دو ماه از قطعی کامل اینترنت در کشور، واقعیت‌های تلخ مهاجرت نیروی کار متخصص کشور انتقال سرمایه توسط کارآفرینان به خارج از کشور، نابودی صدها هزار کسب‌وکار کوچک و متوسط، از بین رفتن درآمد میلیون‌ها کسب‌وکار فعال در اینستاگرام و تلگرام و سونامی تعدیل گسترده کارمندان شرکت‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم به اینترنت وابسته بوده‌اند، نه یک نگرانی یا تهدید قریب‌الوقوع که واقعیت امروز است؛ واقعیتی روشن‌تر

از آفتاب و به همان اندازه دردناک و کشنده. باورکردنی نیست که امروز بر خلاف گذشته، اینترنت طبقاتی و توزیع رانت اینترنت توسط نهادهای صنفی به امری عادی و روزمره تبدیل شده است و اتصال به اینترنت در سال ۱۴۰۵ نیازمند به ارائه مدارک و مستندات و استناد، همراه با صرف هزینه‌های هنگفت است. ما قطعی اینترنت را محکوم می‌کنیم.

اینترنت ارزان، آزاد و باکیفیت حق مسلم هر کاربر ایرانی و کسب‌وکار ایرانی است که حلا بیش از دو ماه است که از آن‌ها سلب شده است. برخلاف آنچه تلاش می‌شود نشان داده شود، اینترنت حالا نه یک ابزار، نه یک امتیاز یا یک تجهیزات خاص بلکه یک زیرساخت مسلم برای هر شهروندی است که در دنیای امروز باید توسط حاکمیت هر کشوری به‌صورت ارزان و گسترده در اختیار او قرار گیرد تا بتواند یک زندگی کاملاً معمولی داشته باشد. زیرساختی که برای کسب‌وکارها نیز همچون برق، حیاتی و حداقلی محسوب می‌شود.

کسب‌وکار اینترنتی فقط در شرایطی معنادار است که کاربر اینترنتی وجود داشته باشد. کاربری که حق انتخاب دارد تا در فضای بی‌کمران و آزاد اینترنت، انتخاب کند از چه کسب‌وکارهایی سرویس دریافت کند؛ این که مجبور به انتخاب از گزینه‌های محدودی باشد که با رانت و تبعیض، به اینترنت دسترسی پیدا کرده‌اند. انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی همچنین با هرگونه اقدام برای طبقاتی کردن اینترنت مخالف است و هرگز حاضر نیست اتصال به اینترنت را تبدیل به یک رانت یا امتیاز مخصوص نماید؛ که فقط اعضای انجمن حق دریافت آن را داشته باشند. ما حاضر نیستیم وارد فضای غیرعادلانه و تبعیض‌آمیز اینترنت طبقاتی شویم که در نهایت همه در آن بازنده‌اند. تبعات این بحران فراینده و خانمان‌سوز بسیار گسترده و عمیق است و با هر روز طولانی‌تر شدن آن، بر گسترگی و عمق آن افزوده می‌شود.

ما از تمامی نهادهای مسئول می‌خواهیم، همین حالا برای اتصال هر چه سریع‌تر همه کاربران و کسب‌وکارهای اینترنتی، بدون تبعیض، بدون طبقه‌بندی و بدون محدودیت، تلاش و اقدام کنند تا بحران را رگرفت.

انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی

فیاض زاهد:

فهم حاکمیت از مفهوم

اینترنت، در کنار

پدیده بزرگ‌تر رسانه

بیشتر یک فهم امنیتی

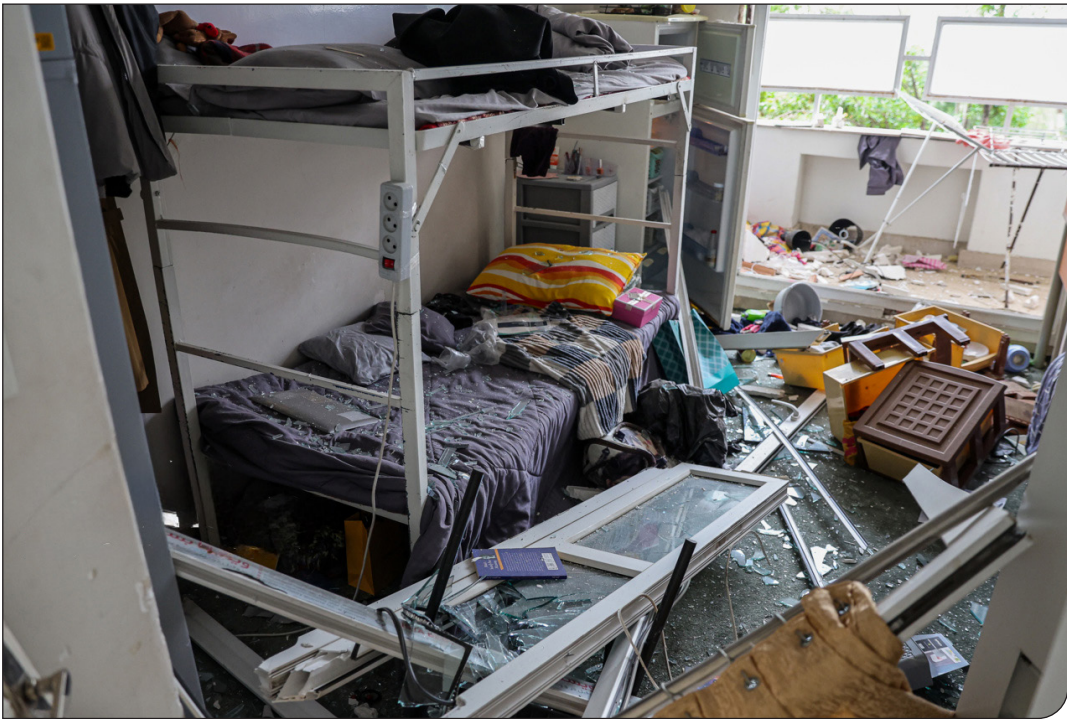
است. حکومت کاری کرد

که رسانه غیرحرفه‌ای

مانند ایران‌اینترنشنال

مخاطب داشته باشد

نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک
<div><div><div><div><div><div><div></div><div><div>کشور</div></div></div></div><div></div>اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان سمنان</div></div></div><div><div><div><div><div></div><div><div>آکهی موضوع ماده ۳ قانون و</div></div></div></div><div></div>آکهی موضوع ماده ۳ قانون و</div></div></div> <div><div><div><div><div></div><div><div>ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی وارضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۷۴۶هـ.ش/۳۲۹هـ.ق/۱۴۰۶ مورخ ۱۴۰۶/۰۹/۱۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم حمیدرضا اکبری فرزند علی‌اکبر بشماره شناسنامه ۳۲۹ هـ.ش/۳۸۹هـ.ق یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵/۳۸/۰۵۱ مترمربع قسمتی از بخش ۳۲ فرعی از ۳۷ اصلی واقع در قلعه‌نو خالصه بخش ۵هـ شاهرود خریداری از شکر اله ایاتلانو محرز گردیده‌است.</div></div></div><div><div><div><div><div></div><div><div>لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آکهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آکهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد</div></div></div><div><div><div><div><div></div><div><div>تاریخ انتشار نوبت اول: یک شنبه: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰</div></div></div><div><div><div><div><div></div><div><div>تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۳/۰۴</div></div></div><div><div><div><div><div></div><div><div>حمیدرضا حسین پور</div></div></div><div><div><div><div><div></div><div><div>رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان شاهرود</div></div></div></div><div><div><div><div><div></div><div><div>از حرف محمدعلی یارمحمدی</div></div></div><div><div><div><div><div></div><div><div>شناسه آکهی: ۲۱۷۰۷۰۰۱۷</div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div></div>	



ایران آرزو

نگاه پژوهشگران و فعالان دانشجویی به مسئولیت اجتماعی دانشگاه در زمان جنگ

دانشگاه از دانشجو خبر ندارد

اپیام ما نهاد دانشگاه در زمانه بحران و تهدید جنگی چه مسئولیتی بر دوش دارد و چگونه باید در برابر فروپاشی های اجتماعی احتمالی، نقش فعال و آگاهانه‌ای ایفا کند؟ این سؤال بهانه نشست علمی «**روایتگری و مسئولیت اجتماعی** دانشگاه در زمان جنگ». شد. چهار پژوهشگر و فعال دانشجویی حوزه علوم اجتماعی، در پاسخ به این سؤال از ناتوانی دانشگاه در زمان بحران و بی‌خبری از دانشجویانقنقاد کردند، از اهمیت دانشگاه در جایگاه کنشی اجتماعی و سیاسی گفتند و بر طرح روایت‌هایی مستقل از ترازوی و حماسه تأکید کردند. هر یک از سخنرانان از منطری متفاوت، اما مکمل، به موضوع پرداختند و گفتند دانشگاه فراتر از نهادی آموزشی، شبکه‌ای پیچیده از روابط، زیرساخت‌ها، روایت‌ها و کنش‌های اجتماعی است که در لحظه بحران، باید بتواند نقش تاریخی خود را ایفا کند.

این نشست آنلاین که دومین حلقه از سلسله مباحث «نهاد علم در زمان بحران» بود؛ روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ به همت «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران» برگزار شد. «محمد اسکندری‌نسب»، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی در ابتدای این برنامه با اشاره به اینکه این جلسه قصد دارد نقش «خود دانشجو» را در مقام کنشگری اجتماعی که در دل بحران زندگی می‌کند، مورد واکاوی قرار دهد، گفت: «هدف ما صرفاً تحلیل وضعیت نیست؛ ما به دنبال رسیدن به یک دستور کار عملی هستیم، زیرا در زمانه‌ای سرشار از عدم‌قطعیت، باید بدانیم اگر فردا وضعیت بحرانی شود، دانشگاه چه وظیفه‌ای دارد و دانشجویان چگونه باید از خود و جامعه محافظت کنند.» طرح این مقدمه، مسیر نشست را روشن کرد؛ بحث بر سر این بود که دانشگاه چگونه باید «در لحظه تصمیم‌گیری» عمل کند؟

دانشگاه در زمان صلح هم حامی نیست

«نگار حیدری»، دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، سخنان خود را با تمرکز بر مسئولیتی آغاز کرد که اغلب در گفتمان رسمی درباره دانشگاه مغفول می‌ماند؛ وجه مادی و اجتماعی دانشگاه. او گفت: «گفت‌وگوها درباره دانشگاه معمولاً به وجه عملکرد آموزشی محدود می‌شود. آیا عملکرد دانشگاه در این بخش به بهترین شکل انجام می‌شود؟ خیر، به‌علاوه، دانشگاه به‌مثابه یک زیرساخت، بسیاری کارکردها و وظایف برعهده دارد که در زمان بحران یا جنگ از بین می‌رود. دانشگاه، پیش از هر چیز یک نهاد اجتماعی زنده است؛ زیرساختی فیزیکی و انسانی که درون آن روابط، تعلق‌ها و تجربه‌های مشترک شکل می‌گیرد. این نهاد، فراتر از محلی برای انتقال دانش، بافتی است که زندگی و معنا در آن تنیده می‌شود.»

حیدری با نگاهی انتقادی، تأکید کرد که دانشگاه «خانه

آنلاین، کمک‌های مالی اضطراری، و برقراری کانال‌های رسمی برای اطلاع‌رسانی و حمایت تأکید داشت و دیگری رویکرد آکادمیک که از بحران جنگ به‌عنوان موضوعی پژوهشی استفاده کرد و دانشگاه را به مرکز تولید دانش میان‌رشته‌ای درباره پیامدهای اجتماعی و انسانی جنگ بدل ساخت، از جمله پژوهش‌هایی درباره مهاجرت اجباری، فروپاشی خانواده‌ها، تاب‌آوری جوانان و نقش زنان در بازسازی اجتماعی.

حیدری با مقایسه این تجربه با وضعیت ایران، گفت: «دانشگاه حین جنگ، از دانشگاه پیش از جنگ جدا نیست. این دو قرار است همواره در امتداد هم باشند. نهاد دانشگاه در زمانه پیش از جنگ مقدر اعتبار اجتماعی و اعتماد ایجاد کرده که بتواند در لحظه بحران به یک وزنه اجتماعی تبدیل شود و کاری کند؟ در ایران، دانشگاه حتی در زمان صلح هم نقش حمایتی خود را به‌درستی ایفا نکرده؛ نه خدمات روانی مستمر دارد، نه ساختاری برای حمایت از دانشجویان آسیب‌پذیر پس در شرایط بحران، طبیعی است که توان ایفای نقش نجات‌بخش یا حمایتی را نداشته باشد.» او این وضعیت را «مسئولیت‌زدایی ساختاری» نامید؛ یعنی حذف آگاهانه جنبه انسانی و اجتماعی دانشگاه از وظایف رسمی آن.

این نگاه این دانشجوی جامعه‌شناسی، مسئولیت اجتماعی دانشگاه تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که دانشگاه بپذیرد «زیست‌شجو» بخشی از ماهوریت ذاتی‌اش است. دانشگاه باید بداند که آموزش زمانی مؤثر است که بستر اجتماعی و روانی حیات دانشجویی نیز پایدار باشد. او در آخر گفت: «اگر دانشگاه در دوران بحران بخواهد نقشی تاریخ‌ساز ایفا کند، باید پیش از هر چیز، زیرساخت انسانی و شبکه اجتماعی خود را حفظ و تقویت کند؛ وگرنه از درون تهی خواهد شد، حتی اگر ساختمان‌ها و کلاس‌هایش سالم بمانند.»

روایتگری کنشی سیاسی است

سخنران دوم، «کوتر درزی‌نژاد»، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، بحث نشست را از سطح «زیرساخت‌های مادی» به سطح «روایت» و «تجربه زیسته» برد. او توضیح داد که جنگ، بیش از آنکه مجموعه‌ای از اعداد، تلفات، نقشه‌ها یا شعارها باشد، یک پدیده عمیقاً انسانی است؛ اما در روایت‌های مسلط، انسان معمولاً حذف می‌شود. به گفته او، روایت جنگ در اغلب جوامع یا اسطوره‌ای و تقدس‌گرایانه است یا ویران‌شده و ترازوی؛ و همین دوگانه باعث می‌شود حیات روزمره انسان‌ها، لحظات ریز تریس و امید، و تجربه‌های خام رنج، نادیده‌بماند.

او با اشاره به آثار «سولانا الکسیویچ»، نویسنده برلوسی و برنده نوبل ادبیات، تأکید کرد که «روایتگری» کنشی اجتماعی و حتی سیاسی است. روایت‌های ظاهرآ کوچک، مثل حرف‌های یک پرستار، یک مادر، یک سرباز وظیفه یا یک کودک، می‌توانند بزرگ‌ترین روایت‌های هنرمونیک را به چالش بکشند؛ چون حقیقت زیسته، ساختارهای قدرت را دچار اختلال می‌کند. قدرت معمولاً روایت خود را کامل، بی‌نقص و فراگیر معرفی می‌کند، اما روایت‌های خرد این تمامیت‌راتک می‌اندازند.

درزی‌نژاد سپس بحث را به وضعیت ایران آورد و از فقر گسترده مطالعات کیفی، روایت‌پژوهی و تاریخ شفاهی درباره جنگ ایران و عراق سخن گفت: «در فاصله خرداد تا دی‌ماه ۱۴۰۴ زمینه‌ای فراهم شد که تا درباره پژوهش‌هایی با موضوع جنگ در دانشگاه‌های علوم اجتماعی جست‌وجو کنیم. نتیجه نامایم‌کننده بود. خلاف تصور کارهای علمی انجام‌شد در این حوزه ژنگ بود. این موضوع مرا به بازاندیشی درباره چرایی آن واداشت. شاید دلیل اول این باشد که جنگ در کشور ما موضوع حساسی است و همیشه باید نگران باشیم که نتند حرفی خلاف جو غالب بزینم که هزینه داشته باشد. در واقع وجهه ژورنالیستی جنگ این وجهه علمی‌اش بیشتر بوده و انگار پژوهش درباره جنگ تابوست.»

او یادآوری کرد که با وجود گذشت دهه‌ها، هنوز در دانشگاه‌ها، پژوهش‌های کافی درباره تجربه زنان در مناطق جنگ‌زده، احساسات سربازان وظیفه، زندگی روزمره خانواده‌های آواره، یا یادگاران جنگ انجام

نشده است. به گفته او، این کم‌کاری یک «بابکوت نانوخته» است؛ نوعی امتناع ساختاری که باعث شده تجربه واقعی و انسانی جنگ از حافظه جمعی حذف شود و تنها روایت رسمی باقی‌بماند که معمولاً یا حماسی است یا ایدئولوژیک.

در این زمینه، درزی‌نژاد مسئولیت دانشگاه را بسیار فراتر از آن دانست که در چارچوب رسمی و نهادی تعریف شود. دانشگاه، از نگاه او، باید فضایی مستقل برای روایتگری انسانی ایجاد کند؛ فضایی فراتر از کلان‌روایت‌های رسمی و همچنین فراتر از روایت ترازیک، تا صدای همه کسانی که صدایشان هیچ‌گاه در رسانه‌ها بازتاب نیافته، شنیده شود. او توضیح داد که خلق چنین بستری یعنی فراهم کردن یک میدان علمی و اخلاقی که در آن روایت‌ها بدون سانسور بی‌میانجی و بی‌فیلترهای ایدئولوژیک ثبت شوند؛ جایی که پژوهشگر بتواند با روش‌های انسان‌محور واقعیت جنگ را از دل زندگی مردم استخراج کند. به باور او، دانشگاه اگر چنین نقشی را ایفا نکند، در برابر تاریخ مسئول است؛ زیرا حذف روایت‌های زیسته، به حذف انسان‌ها از حافظه جمعی منجر می‌شود و وقتی انسان حذف شود، آنچه می‌ماند نه تاریخ که فقط ایدئولوژی است.

گفتمان «مرگ دانشگاه»

سخنران سوم، «امیرهدهی جمشیدی‌ها»، دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، بحث را به سطح نظریه اجتماعی کشاند و کوشید جایگاه دانشگاه را در شرایط بحران بازاندیشی کند. او سخنان خود را با نقد دو گفتمان مسلط درباره دانشگاه آغاز کرد. نخست، گفتمان «دانشگاه کارآفرین» که دانشگاه را به یک بنگاه حل مسئله فرومی‌کاهد و از آن انتظار دارد در هر بحرانی، از جنگ تا بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، فوراً راه‌حل‌های عملی و آماده ارائه دهد. به گفته جمشیدی‌ها، این نگاه ابزاری با ماهیت دانشگاه ناسازگار است و پیچیدگی بحران‌های اجتماعی را نیز نادیده می‌گیرد.

گفتمان دوم، از نظر او، گفتمان «مرگ دانشگاه» است؛ دیدگاهی که در زمان بحران مدعی می‌شود دانشگاه کارکرد خود را از دست داده و باید، پیش از آنکه به یک مرکز کنش سیاسی و بسیج اجتماعی تقلیل یابد، جمشیدی‌ها تأکید کرد که هر دو گفتمان، با وجود تفاوت ظاهری، در یک نقطه مشترک‌اند: هر دو دانشگاه را تابع هیچ‌نات و شفا‌های بیرونی می‌کنند و آن را از نقش مستقل و انتقادی‌اش دور می‌سازند.

او با ارجاع به آرای «ماکس وبر» و نوشته‌های او در دوران جنگ جهانی اول، مفهوم «عقلانیت سرد» را محور بحث خود قرار داد و توضیح داد که دانشگاه در لحظه‌های پرتنش باید نقش تلخگر را ایفا کند، نه تولیدکننده شور و ترس یا امیدهای ساده‌انگارانه. به باور او، دانشگاه کارخانه تولید نسخه‌های فوری یا باشگاه سیاسی نیست، بلکه نهادی است که باید با حفظ فاصله انتقادی، روند‌ها را رصد، ایهام‌ها را روشن و روایت‌های نادقیق یا ایدئولوژیک را به چالش بکشد.

جمشیدی‌ها در ادامه گفت که دانشگاه نباید به بلندگویی هیچ جناحی تبدیل‌شود؛ نه درون قدرت و نه بیرون آن. آن مسئولیت اجتماعی دانشجویان و استادان، از نگاه او، این است که «دانشگاه را دانشگاه نگه دارند؛ یعنی از استقلال فکری نهاد علم دفاع کنند و نگذارند دانشگاه در دل بحران به ابزاری برای پروپاگاندا، هیجان‌های زودگذر یا سیاست‌زدگی افراطی بدل شود.»

فقط روایت برپیمان مانده است

آخرین سخنران نشست، «محمد محمدی»، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی دانشگاه تهران، بحث خود را با تمرکز بر یکی از مخاطرات مهم فضای اجتماعی در شرایط بحران آغاز کرد: شکل‌گیری دوگانه‌سازی‌های رادیکال درباره جنگ و آینده سیاسی کشور او توضیح داد که در فضای عمومی، دو جریان افراطی در حال شکل‌دهی به روایت‌های غالب هستند. از یک سو، برخی جریان‌های رادیکال در داخل کشور با نگاهی تقدیس‌گرایانه به جنگ می‌نگرند و آن را فرصتی برای تثبیت قدرت یا بازتولید نوعی انسجام ایدئولوژیک می‌دانند. در سوی دیگر، بخشی از جریان‌های افراطی

سال بیست و دوم | شماره پایپی ۳۴۰۰ | یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ |

خارج از کشور از جمله برخی گروه‌های سلطنت‌طلب، جنگ را به‌مثابه فرصتی برای تغییر سیاسی می‌بینند و گاه آشکارا از وقوع آن استقبال می‌کنند. به باور او، اگرچه این دو جریان در ظاهر در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند، اما در یک نکته مشترک‌اند: هر دو در تحلیل‌های خود به طور خطرناکی از هزینه‌های انسانی و اجتماعی جنگ غفلت می‌کنند و زندگی مردم را به ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی خود فرومی‌کاهند. او همچنین توهم برخی از کنشگران سیاسی مبنی بر «فردای پس از جنگ» را نقد کرد و توضیح داد که تصور بازسازی سریع ایران پس از یک بحران نظامی، نوعی ساده‌نگاری تاریخی است. کشورهایمانند آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم دهه‌ها رنج، فروپاشی زیرساختی و فقر مطلق را تحمل کردند و تنها پس از تحمل این دوره طولانی توانستند به توسعه برسند. از نگاه او، کسانی که تصور می‌کنند جنگ، جامعه را به‌سرعت به آستانه «تولد دوباره» می‌رساند، عملاً با زندگی مردم قمار می‌کنند.

محمدی همچنین بر اهمیت «روایتگری» در زمان جنگ تأکید کرد. به باور او، ثبت و روایت تجربه‌های زیسته مردم می‌تواند به شکل‌گیری همدلی و درک مشترک در جامعه کمک کند. شنیدن داستان‌های رنج، تریس و ریستن در لحظه جنگ، احساس همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند و حتی می‌تواند به تسکین و شفای روانی افراد کمک کند. علاوه بر این، مستندسازی خرده‌روایت‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتمان انتقادی و بازاندیشی در ساختار قدرت و نهاد‌های موجود نیز می‌شود.

او گفت: «رسالت دانشگاه صرفاً تولید مدرک یا فراهم‌کردن یک بستر آموزشی نیست؛ به‌ویژه در زمان بحران و جنگ، مسئولیت گسترده‌تر و سنگین‌تر می‌شود. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها در چنین شرایطی می‌توانند نقش‌هایی فراتر از آموزش ایفا کنند. برای نمونه، دانشگاه «شام» در دوره فروپاشی ساختار حکمرانی در سوریه برای مدتی بخشی از اداره امور اجتماعی را بر عهده گرفت، و از اوکراین نیز دانشگاه‌ها علاوه بر ادامه فعالیت‌های علمی، به پناهگاهی برای آوارگان و مرکزی برای برنامه‌ریزی کمک‌های انسانی تبدیل شدند. اما دانشگاه‌های ایران خودشان مسئله‌اند. در این جنگ مسئولیت گسترده‌تر و سنگین‌تر می‌شود. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها در چنین شرایطی می‌توانند نقش‌هایی فراتر از آموزش ایفا کنند. برای نمونه، دانشگاه «شام» در دوره فروپاشی ساختار حکمرانی در سوریه برای مدتی بخشی از اداره امور اجتماعی را بر عهده گرفت، و از اوکراین نیز دانشگاه‌ها علاوه بر ادامه فعالیت‌های علمی، به پناهگاهی برای آوارگان و مرکزی برای برنامه‌ریزی کمک‌های انسانی تبدیل شدند. اما دانشگاه‌های ایران خودشان مسئله‌اند. در این جنگ بسیاری از دانشجویان آسیب دیدند؛ اما دانشگاه به آنها کمک نکرد. خانه بعضی دانشجویان خشک‌ه‌ علم عمومی دانشگاه تهران تخریب شده و آلان در هتل زندگی می‌کنند؛ اما دانشگاه خبر ندارد.»

محمدی به پیامدهای اقتصادی بحران اشاره کرد و طبق اعلام معاون وزارت کار و تأمین اجتماعی، به این اشاره کرد که نزدیک به دو میلیون نفر به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اثر جنگ و بحران اقتصادی شغل خود را از دست داده‌اند که بخش قابل‌توجهی از آنان دانشجویان هستند؛ از تعلق فعالیت استانی‌ها گرفته تا بیگار شدن دانشجویانی که در روزنامه‌ها، صنایع، هتل‌ها یا به‌صورت ساعتی در پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی کار می‌کردند. این پژوهشگر در ادامه گفت: «دانشگاه باید برای این وضعیت چاره‌اندیشی کند؛ از تسهیل حمایت‌های معیشتی و شغلی گرفته تا پیگیری نیازهای پژوهشی دانشجویان، به‌ویژه دسترسی به اینترنت بین‌الملل. به‌علاوه، دانشگاه می‌تواند با ایجاد فضاهای گفت‌وگو و تقویت ارتباط میان دولت، نهادهای امنیتی و جامعه دانشگاهی، به حفظ همبستگی اجتماعی در شرایط بحران کمک کند.»

در پایان نشست، محمد اسکندری‌نسب با یک جمع‌بندی جامع توضیح داد که مباحث مطرح‌شده نشان می‌دهد دانشگاه ایران برای ایفای نقش تاریخی خود در زمان بحران‌های ملی نیازمند تحول جدی است. او تأکید کرد که این تحول باید از دو مسیر هم‌زمان انجام شود: نخست نقد سیاست‌های انفعالی و مسئولیت‌گریزی نهاد دانشگاه و اجبار آن به پذیرش نقش حمایتی، روانی و اجتماعی در قبال دانشجویان؛ و دوم تجهیز دانشجویان و استادان به عقلانیت سرد، روایتگری انتقادی و مستندسازی مستقل. به‌زعم او، تنها از طریق این دو مسیر است که دانشگاه می‌تواند از حقیقت، دانش و جان انسان‌ها در برابر ویرانگری جنگ محافظت کند.

خبر |

افزایش ساعات ورزش مدارس برای مقابله با چاقی دانش‌آموزان

آموزش‌وپروورش به اهمیت موضوع تغذیه، خواب و تحرک به‌عنوان مثلث پیشگیری از چاقی تأکید کرد و گفت: «با راه‌اندازی این مراکز، رصد دقیق تندرستی دانش‌آموزان به یک فرایند پایدار در نظام تعلیم‌وتربیت تبدیل خواهد شد.» جعفری در تشریح برنامه‌های این وزارتخانه برای تحرک‌بخشی به دانش‌آموزان اظهار کرد: «بر اساس مصوبه فعلی شورای‌عالی آموزش‌وپروورش، زمان زنگ تربیت‌بدنی مدارس (پایه اول تا دوازدهم) ۹۰ دقیقه در هفته است که این زمان به‌همچ‌وجه برای آمادگی جسمانی وتأمین نیازهای حرکتی نسل جدید کافی نیست.» او با اشاره به پیگیری‌های وزیر آموزش‌وپروورش و همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دراین‌خصوص، افزود: «در سال تحصیلی جدید، طرحی به‌صورت پایلوت در ۲۰ مدرسه پایه اول ابتدایی پایتخت و شهرستان‌های استان تهران اجرا شد که در این طرح، با استفاده از سرجمع ساعات دروس تربیت‌بدنی، سلامت و فعالیت‌های پوروشی، زمان اختصاص یافته به ورزش افزایش یافته است.» جعفری درباره تداوم اجرای این برنامه نیز گفت: «باتوجه‌به اینکه طرح در مرحله آزمایش قرار دارد، پس از اتمام سال تحصیلی و جمع‌بندی نتایج توسط سازمان پژوهش، در خصوص فراگیرشدن آن در سراسر کشور تصمیم‌گیری خواهد شد و هدف ما این است که در صورت موفقیت، این الگوراز سال آینده در پایه‌های تحصیلی دیگر هم اجرا کنیم.»ایرنا



آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی سواری پرلد مدل صبا دوگانه‌سوز مدل ۱۳۸۸ رنگ نئوکرمادی متالیک به شماره موتور 5141228837397 و شماره شاسی 163A0198243 و شماره پلاک ۱۸۸ ایا ۳۵ ایران ۷۹ به نام محدثه قنبری کلبه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

قزوین

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی سواری خودرو سواری: سواری هاچ بک، سیستم: پژو، تیپ: 206TU5 به رنگ: سفید - رونگی مدل: ۱۳۹۴ به شماره موتور: 163A0198243 و شماره شاسی: N6A0P13F7J321870 به شماره پلاک: ۹۳۸ و ۹۴۰ ایران:۴۲ به نام:محمدپدرقیعی شهرپایکی مفقودگردیده‌و از درجه اعتبارساقطمی باشد.

شهربابک

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی ماشین خودرو سواری - سواری سایپا 1415X مدل ۱۳۹۰ به رنگ نقره‌ای - آبی رنگ: سفید - رونگی مدل: ۱۳۹۴ به شماره موتور: 3۳۴۴۸۹ و شماره شاسی 53482289337411 به نام:علی پادار کلنگ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

جیرفت

آگهی مفقودی

سندکمپانی (برگ‌مرکی)، سندمالکیت (برگ‌سبز) خودرو با م و X4 به رنگ مشکی و مدل ۲۰۱۶ به شماره انتظامی ۱۲-۱۳ ص ۲۱ و شماره موتور ۲02B20A8231243 و شماره شاسی ۵3482289337411 به مالکیت مجتبی محمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصفهان

خبر |

پس لرزه جنگ برای مدارس ایرانی خارج از کشور

به‌صورت آنلاین استفاده کنند.»

سلیمی درباره ساختار مدیریتی این مدارس گفت: «مرکز امور بین‌الملل دارای هفت سرپرستی مدارس در خارج از کشور بوده که مدارس تحت پوشش خود را مدیریت و پشتیبانی می‌کنند.» او در خصوص پیگیری حقوقی لغو مجوز مدارس ایرانی در امارات افزود: «مکاتباتی از طریق وزیر آموزش‌وپروورش با وزیر امور خارجه جهت پیگیری حقوقی امور و نیز نهادهای بین‌المللی انجام شد. سازمان توسعه دانش و نیروی انسانی دب (KHDA) اعلام کرد این تصمیم سیاسی در مقامی بالاتر گرفته شده و امکان تجدیدنظر وجود ندارد، بااین‌حال از تمام ظرفیت‌های قانونی از جمله مکاتبه با معاون حقوقی رئیس‌جمهور استفاده کردیم.»

سرپرست مرکز بین‌الملل و مدارس خارج از کشور در پاسخ به سؤالی درباره برگزاری امتحانات نهایی اظهار کرد: «تا زمانی که تکلیف امتحانات نهایی در داخل کشور مشخص نشود، وضعیت در خارج نیز مبهم است. سال گذشته حدود ۹۵ حوزه امتحانی در مدارس و نمایندگی‌های سیاسی داشتیم که هم‌زمان با داخل کشور در دو اقی صبح و عصر در مدارس واقع در دو نیمکره شمالی و جنوبی کره زمین برگزار می‌شد. دانش‌آموزان پایه یازدهم و دوازدهم که قصد شرکت در کنکور سراسری ایران را دارند حتماً باید در امتحانات نهایی در داخل کشور یا کشورهاییک که حوزه امتحانی نهایی داریم؛ مانند عمان، قطر، ترکیه، کویت، عراق و... شرکت کنند.» ایسنا

خبر |

سه روز پس از شروع جنگ مجوز مدارس ایران در امارات لغو شد

سرپرست مرکز بین‌الملل و مدارس خارج از کشور با بیان اینکه پس از جنگ اخیر، تنها در کشور امارات با لغو مجوز مدارس ایرانی مواجه شدیم گفت: «حدود ۱۳۰۰ نفر از ۲۳۰۰ دانش‌آموز ایرانی این کشور به مدارس داخل کشور و مدارس بین‌الملل امارات منتقل شدند و یک هزار دانش‌آموز باقی‌مانده که شرایط بازگشت به ایران را نداشتند، به‌صورت آنلاین توسط سرپرستی مدارس ایران در استانبول ترکیه، ساماندهی شده‌اند.»

«محمد سلیمی» با بیان اینکه در حال حاضر حدود ۸۰۰۰ دانش‌آموز در ۷۴ مدرسه ایرانی و در ۳۴ کشور مشغول تحصیل هستند، گفت: «این مدارس در خارج از کشور برای فرزندان کارگزاران نظام و ایرانی‌های مقیم خارج از کشور فعالیت می‌کنند و برنامه درسی ایران در آنها اجرا می‌شود.»

او با اشاره به تأثیر جنگ اخیر بر روند تحصیل دانش‌آموزان در خارج از کشور افزود: «ما فقط در امارات با مشکل مواجه شدیم، سه روز پس از شروع جنگ، مجوز مدارس ما در این کشور لغو شد. حدود ۲۳۰۰ دانش‌آموز تحت‌تأثیر این تصمیم قرار گرفتند که از این تعداد، ۱۳۰۰ نفر دریافت پرونده به مدارس داخل کشور بازگشتند و گروهی به مدارس بین‌الملل در امارات رفتند.» سرپرست مرکز بین‌الملل و مدارس خارج از کشور ادامه داد: «حدود هزار دانش‌آموزی که در امارات ماندند و شرایط بازگشت نداشتند، به‌صورت آنلاین از طریق سرپرستی مدارس ایران در ترکیه تحت پوشش قرار گرفتند تا پایان سال تحصیلی از ظرفیت مدارس ایرانی

